

یادداشت

افطاری بدھیم یا...

محمّدقی فلاحی

حاجی‌بابایی وزیر محترم آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای به سراسر کشور از مدیران آموزش و پرورش خواست تمامی فرهنگیان شاغل در آموزش و پرورش و اعضای خانواده آنها را به یک وعده افطاری دعوت کنند، هزینه آن نیز از بودجه خود استان‌ها و مناطق تامین می‌شود.
یک برآورد ساده نشان می‌دهد یک وعده افطاری به کارکنان آموزش و پرورش و خانواده آنها، حداقل رقمی معادل ۲۱میلیارد تومان هزینه برمی‌دارد. اگرچه به نظر می‌رسد این امر در سایر نهادهای دولتی نیز معمول بوده و هست و در میان هزینه‌های وزارتخانه بزرگی مانند آموزش و پرورش، رقم کلانی به حساب نمی‌آید، اما برای دستگاهی که همواره از کسری بودجه و ضعف امکانات نالیده است، به نوبه خود هزینه کمی نیست، به ویژه اینکه به نظر نمی‌رسد این اقدام حتی اندکی از مشکلات این دستگاه را کاهش دهد.
در این رابطه، پرسش‌های بسیاری می‌تواند مطرح شود که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱- بی‌تردید این مبلغ و با این عنوان، در بودجه سال ۱۳۸۹ پیش‌بینی نشده و تاکنون نیز از آن خبری نبوده است، بنابراین منبع مالی تامین هزینه آن چیست؟ حتی اگر وزارتخانه، تامین هزینه را بر عهده مدیریت مناطق گذاشته باشد، باز هم بودجه‌ای برای آن باید در نظر گرفته شود. این منبع یا هزینه‌های عمرانی است یا جاری که هر دو آنها با کسری زمین‌روبه‌رو هستند.تاسف‌باراینکه در برخی مناطق تهران، رئیس منطقه سرانه‌ای ناچیز در اختیار مدیران مدارس قرار داده و انجام کار را به خود آنها سپرده است، در حالی که خوب می‌داند با مبلغ پرداخت‌شده، امکان تهیه یک وعده غذایی در خور شأن فرهنگیان وجود ندارد. اکنون مدیران این مدارس باتکلیف مانده‌اند با این مبلغ چه کنند که توهینی به همکاران خود و خانواده آنها به حساب نیاید.

۲- نمی‌توان گفت با این مبلغ می‌توانستیم مشکلات بزرگ آموزش و پرورش را حل کنیم اما آیا این امکان وجود نداشت که با آن اندکی سرانه دانش‌آموزی را بیفزاییم؟ همان سرانه کمی که هر سال با تأخیر پرداخت می‌شود و به قدری ناچیز است که حتی هزینه مصرف آب و برق مدرسه را نیز پوشش نمی‌دهد و مدیران مدارس را مجبور می‌سازد به روش‌های مختلف از اولیای دانش‌آموزان تقاضای پول کنند.

۳- بهتر نبود با این مبلغ، حداقل برای مدرسه‌های محروم، مقداری وسایل آموزشی مناسب تهیه می‌کردیم تا شاید کمکی شود که آموزش‌های ما اندکی از حالت ذهنی صرف خارج شود؟ وقتی در پایتخت کشور، مدارس هستند که از داشتن یک نقشه مناسب حتی برای آموزش جغرافیای ایران بی‌بهراند، نباید در صرف چنین هزینه‌هایی، وسواس بیشتری به خرج دهیم؟

۴- می‌دانیم تغذیه مناسب کودکان و نوجوانان که دوران رشد خود را سپری می‌کنند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. متأسفانه در جامعه ما بسیاری از خانواده‌ها به دلیل فقر مالی یا فقر اطلاعات، قادر به تامین تغذیه مناسب برای فرزندان در حال رشد خود نیستند. آمارهای حکایت از وجود سوءتغذیه در میان درصد قابل توجهی از کودکان دارد. بهتر نبود این مبلغ، صرف شناسایی کودکان دارای سوءتغذیه در مدارس می‌شد تا ضمن برقراری ارتباط با خانواده و ارائه آموزش‌های لازم، برنامه‌ای نیز برای رفع کمبود تغذیه‌ای آنان در طول سال‌های آینده طراحی کرد؟ آیا نباید با تامین منابع لازم و با کمک به خانواده‌ها، به رفع یا کاهش این پدیده مخرب پرداخت؟

۵- همان گونه که در بند سه نیز اشاره شد روش‌های آموزش در کشور ما عموماً متکی به انباشت اطلاعات ذهنی و فاقد ارتباط با محیط زندگی دانش‌آموز است. در نتیجه بسیار و بارها شاهد بوده‌ایم دانش‌آموز، مطالبی از زندگی اجتماعی و محیط زیست را از کتاب درسی حفظ کرده و نمره خوبی نیز در امتحان گرفته اما این مطالب تغییری در رفتارش ایجاد نکرده است و او همچنان مطابق با عادت و روش‌های آموخته در خانواده و محیط خود، رفتار اجتماعی یا زیست‌محیطی نادرست از خود بروز می‌دهد. بهتر نبود این مبلغ صرف تدارک گردش علمی کودکان به موزه‌های مختلف و مکان‌های طبیعی می‌شد تا با آشنایی با مشکلات زیست‌محیطی از قبیل معضل دفع زباله در شهرهای بزرگ، با اهمیت تفکیک زباله‌ها، در کاهش خسارت ناشی از آلودگی آب و خاک و ده‌ها مشکل زیست‌محیطی دیگر اقدام کوچکی صورت گیرد؟ حتی اگر ۱۰ درصد کودکانی که در این گردش‌های علمی شرکت می‌کردند تحت تأثیر آن در رفتارهای زیست‌محیطی خود تغییراتی می‌دادند یا درک آنها نسبت به تاریخ و فرهنگ کشور خود، اندکی بیشتر می‌شد، موفقیت بزرگی بود. حتی اگر هیچ یک از این پیامدها را هم نداشت دست کم تعدادی از کودکان را برای یک روز یا روزهای از محیط بسته و معمولاً کسالت‌بار کلاس خارج می‌کرد و روزی متفاوت را برای آنان رقم می‌زد.

۶- در پایان باید بگویم همواره تلاشم این بوده و هست که فرد خوشبین و مثبت‌اندیشی باشم و از جنبه‌های گوناگون، موضوعات را ببینم اما هرگاه با اقداماتی از این دست – که متأسفانه در کشور ما کم هم نیست – مواجه می‌شوم ناخودآگاه برخی مفاهیم و واژگان ذهنم را اشغال می‌کند: پولپولیسم، انتخابات، عوام‌زدگی و...

بازتاب

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات جوابیه‌ای پیرامون خبر باززنشستگی زودهنگام برخی از اساتید به رسانه‌ها ارسال کرده که متن کامل آن در ادامه می‌آید. عطف به خبر مندرج در آن روزنامه تحت عنوان «به اساتید باسابقه پیشنهاد باززنشستگی زودهنگام داده می‌شود» که به نقل از معاون محترم آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۱۳۸۵/۱۶/۸ در صفحه ۱۷ به چاپ رسیده است ضمن تکذیب این خبر به استحضار می‌رساند:
اشاره معاون محترم آموزشی وزارت علوم به اساتیدی بوده که با سابقه ۲۰ سال تدریس طی سه سال متوالی موفق به کسب امتیاز علمی از نقای سالیانه نشده و دچار رکود علمی شده‌اند، لذا برای اینکه بخش‌های به منزلت علمی آنان وارد نشود به آنان پیشنهاد باززنشستگی زودهنگام داده می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید در خصوص اصلاح این خبر مطابق قانون مطبوعات اقدام نمایند. ضمناً این مطالب در نشست خبری و در حضور خبرنگاران رسانه‌های مختلف مطرح شده و خبرگزاری ایلنا که منبع خبر چاپ‌شده در آن روزنامه وزن بوده، نسبت به اصلاح خبر خود اقدام نموده است.

آغاز موج اعتراض به نتایج آزمون استخدامی معلمان

شرق: با مشخص شدن نتایج آزمون استخدامی معلمان، ماجرای اعتراض پذیرفته‌نشدگان همانند آزمون‌های قبلی تکرار شد. البته اعتراض مردودی‌ها در این آزمون که برای بسیاری از داوطلبان سرنوشت‌ساز بود، با توجه به شنیده شدن زعزمه اعمال سهمیه‌های مختلف، کاملاً قابل پیش‌بینی بود. اعمال سهمیه در آزمون، البته جدا از تأکید مجلس شورای اسلامی و تصمیم آموزش و پرورش برای قرار دادن نیروهای حق‌التدریس در اولویت استخدام است چرا که بنا بر وعده وزارت آموزش و پرورش قرار بود نیروهای حق‌التدریس که مدت‌هاست در صف انتظار استخدام قرار دارند، سهم قابل توجهی از این ۴۰۰ هزار نفر استخدام‌شده را به خود اختصاص دهند.

دو روز از اعلام نتایج نمی‌گذشت که حاشیه‌های برای تمامی آزمون‌ها رخ می‌دهد، تکرار شد؛ حاشیه‌هایی که گاهی تا باطل شدن آزمون نظیر آنچه برای آزمون دستیاری تخصصی اتفاق افتاد، پیش رفت. این بار نیز با اعلام نتیجه آزمون، صدای اعتراضی تعداد فراوانی از پذیرفته‌نشدگان بلند شد. بخش قابل توجهی از معترضان، مربوط به استان‌های شمالی کشور بودند. پیش از ۱۰۰ نفر از پذیرفته‌نشدگان این آزمون در استان گلستان، روز گذشته برای اعتراض به نتیجه آزمون به ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش رفتند. یکی از این معترضان به «شرق» گفت: «با اینکه امتیازهای لازم را در این آزمون به دست آورده بودیم اما زمانی که نتایج آزمون اعلام شد، متوجه شدیم در مرحله دوم پذیرفته نشده‌ایم. این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که اطلاع مستند داریم در این استان برای استخدام پارتی‌بازی‌های فراوانی شده است.» این معترضان که از اعمال روابط در استخدام آزمون گلایه‌مند بودند برای پیگیری اعتراض خود به ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران مراجعه کردند اما از ورود آنها به ساختمان جلوگیری شد: «به ما اعلام شد برای پیگیری موضوع باید از طریق استان‌مان اقدام کنیم.» در این میان البته تعدادی از داوطلبان سا‌روزی نیز با تجمع در مرکز استان‌شان، نسبت به نتایج آزمون اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، تعداد زیادی از این معترضان داوطلبانی بودند که از سهمیه شاهد و ایثارگر نیز برخوردار بودند که عنوان می‌کردند با توجه به تأثیر سهمیه شاهد

و ایثارگر تعداد کمی از آنها در این آزمون قبول شده‌اند. این در شرایطی است که در مقابل کسانی قبول شده‌اند که حتی دوره تحصیلی خود را تمام نکرده‌اند و در حال تحصیل در دوره کارشناسی هستند.

بنا بر این گزارش، همچنین معترضان نسبت به نحوه اعلام نتایج و عدم ارسال کارنامه‌های این آزمون به داوطلبان اعتراض داشتند و این در حالی بود که مسوولان آموزش و پرورش استان مازندران تنها به توزیع فرم‌ای اعتراض در بین داوطلبان آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش پرداختند.

اعتراض‌ها در اسرع وقت پیگیری می‌شود

با بالا گرفتن اعتراض‌ها، وزارت آموزش و پرورش نحوه اعتراض به نتایج آزمون را اعلام کرد. دبیر هیات مرکزی گزینش وزارت آموزش و پرورش از تشکیل هیات رسیدگی به تخلف در آزمون استخدامی این وزارتخانه خبر داد: «داوطلبانی که در آزمون مرحله دوم پذیرفته نشده‌اند در صورت اعتراض باید به این هیات که در آموزش و پرورش استان‌ها تشکیل شده، مراجعه کنند.»

فرشته حشمتیان در این باره به مهر گفت: «هیات

با گذشت دو روز از اعلام نتایج از سوی آموزش و پرورش



و ایثارگر تعداد کمی از آنها در این آزمون قبول شده‌اند. این در شرایطی است که در مقابل کسانی قبول شده‌اند که حتی دوره تحصیلی خود را تمام نکرده‌اند و در حال تحصیل در دوره کارشناسی هستند.

بنا بر این گزارش، همچنین معترضان نسبت به نحوه اعلام نتایج و عدم ارسال کارنامه‌های این آزمون به داوطلبان اعتراض داشتند و این در حالی بود که مسوولان آموزش و پرورش استان مازندران تنها به توزیع فرم‌ای اعتراض در بین داوطلبان آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش پرداختند.

اعتراض‌ها در اسرع وقت پیگیری می‌شود

با بالا گرفتن اعتراض‌ها، وزارت آموزش و پرورش نحوه اعتراض به نتایج آزمون را اعلام کرد. دبیر هیات مرکزی گزینش وزارت آموزش و پرورش از تشکیل هیات رسیدگی به تخلف در آزمون استخدامی این وزارتخانه خبر داد: «داوطلبانی که در آزمون مرحله دوم پذیرفته نشده‌اند در صورت اعتراض باید به این هیات که در آموزش و پرورش استان‌ها تشکیل شده، مراجعه کنند.»

فرشته حشمتیان در این باره به مهر گفت: «هیات

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی در گفت‌وگو با «شرق»:

آمار رشد گردشگری برای شعار دادن خوب است

حمیدرضا ابراهیم‌زاده



خدمات مسافرتی با قطعیت صنعت گردشگری ایران را «دچار رکود» می‌داند و «شکی هم در این زمینه» ندارد. محمدحسن کرمانی از رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خواست «اسناد بالادستی این ادعا را ارائه کنند» چراکه به گفته کرمانی «من هم می‌توانم بگویم که رشد گردشگری ایران ۸۰ برابر شده که در این صورت مورد احترام آقایان هم قرار می‌گیرم، به عقیده کرمانی

انتقاد به انتقال آب دریای خزر به استان سمنان

تأثیر انتقال آب خزر به سمنان از خشک شدن دریاچه ارومیه کمتر نیست

منبع آبی به عنوان یکی از منابع مهم و قابل دسترسی است که می‌تواند به عنوان یکی از گزینه‌های مهم انتقال آب مورد بررسی قرار گیرد.» برای اجرای این طرح عظیم آبی، ۱۵ هزار میلیارد ریال اعتبار پیش‌بینی شده است. با احتساب این هزینه گزاف، به عقیده ظفرنژاد، چنین طرحی تنها هدر دادن پول و سرمایه است و در هیچ جای دنیا چنین طرحی با موفقیت اجرا نشده است. به اعتقاد او به جای خرج کردن این پول عظیم، بهتر است طرح‌های آبخیزداری مورد نیاز در کشور اجرا شود: «هزینه کردن برای حوضه آبریز دریاچه ارومیه، حوضه آبخیز زاینده‌رود که در واقع حوضه آبریز تالاب گاوخونی است، بر هزینه کردن برای چنین طرح‌هایی که مسوولان قرارگاه خاتم معتقدند با اجرای این طرح که از نظر کارشناسان محیط زیست چیزی جز یک طرح غول‌پیکرسازی نیست، قرار است سالانه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب از آب دریای خزر به استفاده از «امکانات عظیم» ابتدا به شهر دامغان و سپس به شهرهای سمنان و شاه‌رود منتقل شود. این میزان آب تا دو میلیارد مترمکعب قابل افزایش است.

آب خزر شور است. اگر این آب به سمنان بیاید فقط می‌تواند برای آبیاری گیاهان هالوفیت مورد استفاده قرار گیرد. نمک اضافی آن هم در منطقه جمع می‌شود و معضل شوری را بالا می‌برد.» مسوولان قرارگاه خاتم معتقدند با اجرای این طرح که از نظر کارشناسان محیط زیست چیزی جز یک طرح غول‌پیکرسازی نیست، قرار است سالانه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب از آب دریای خزر به استفاده از «امکانات عظیم» ابتدا به شهر دامغان و سپس به شهرهای سمنان و شاه‌رود منتقل شود. این میزان آب تا دو میلیارد مترمکعب قابل افزایش است.

مطرح شدن چنین طرحی در حالی است که پیش از این و در سال ۱۳۷۰ نیز طرحی با نام «پرانرود» مطرح شده بود که مجریان آن قصد داشتند با ساخت یک کانال انتقال آب، خلیج فارس را به دریای خزر متصل کنند.

جامعه

خبر

آمار رسمی ابتلا به ویروس ایدز در ایران به ۲۱ هزار و ۴۳۵ نفر رسید

فارس: وزارت بهداشت آخرین آمار ابتلا به ویروس ایدز در ایران را ۲۱ هزار و ۴۳۵ نفر اعلام کرد. بر اساس اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بر اساس آمار جمع‌آوری شده از دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی – درمانی، تا تاریخ اول تیر امسال در مجموع ۲۱ هزار و ۴۳۵ نفر اقرار مبتلا به ایدز در کشور شناسایی شده‌اند که ۹۲/۶ درصد آنان را مردان و ۷/۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۶/۶ درصد از مبتلایان به HIV در زمان ابتلا در گروه سنی ۳۴– ۲۵ سال قرار داشته‌اند که بالاترین نسبت در بین گروه‌های سنی را به خود اختصاص می‌دهند. این گزارش حاکی است علل ابتلای به HIV در بین کل مواردی که از سال ۱۳۶۵ تاکنون در کشور به ثبت رسیده‌اند به ترتیب تریق با وسایل مشترک در مصرف‌کنندگان مواد مخد(۶۹/۹ درصد)، رابطه جنسی (۹/۱ درصد)، دریافت خون و فرآورده‌های خونی (۱/۱ درصد) و انتقال از مادر به کودک (۰/۶ درصد) بوده است. راه انتقال در ۱۹/۳ درصد از این گروه نامشخص مانده است. همچنین در مقایسه این آمار با مواردی که ابتلای آنان در سال ۱۳۸۸ گزارش شده است، اعتیاد تزریقی ۷۱/۳ درصد، برقراری روابط جنسی ۱۷/۶ درصد و انتقال از مادر مبتلا به کودک ۱/۶ درصد را تشکیل داده است. همچنین در ۹/۵ درصد از موارد شناسایی‌شده در این سال، راه انتقال نامشخص بوده و هیچ مورد جدید ابتلا از راه خون و فرآورده‌های خونی گزارش نشده است.

کاهش هفت‌صدی ازدواج

و افزایش ۳/۵ درصدی طلاق در تهران
مهر: رئیس ثبت احوال استان تهران از کاهش هفت صدی ازدواج و افزایش ۳/۵ درصدی طلاق در تهران طی پنج‌ماه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داد. سیداحمد قشمی با اعلام این خبر افزود: از ابتدای سال ۸۹ تا پایان مردادماه، ۵۶ هزار و ۲۸۲ واقعه ازدواج به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل، هفت درصد کاهش داشته است. رئیس ثبت احوال استان تهران با بیان اینکه شش ماه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۴ هزار و ۷۷۷ واقعه طلاق نیز تا پایان مردادماه ثبت شده، گفت: طلاق نیز نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۲/۵ درصد رشد یافته است. به گفته قشمی، ۸۸ هزار و ۴۷۱ ولادت از ابتدای فروردین تا پایان مردادماه به ثبت رسیده که نسبت به سال گذشته ۳/۵ درصد افزایش دارد. قشمی افزود: ۴۵ هزار و ۵۴۴ نفر از مولایم نوزادان پسر و ۴۲ هزار و ۴۲۷ نوزاد دختر هستند به طوری که در مقابل هر ۱۰۰ دختر، ۱۰۶ پسر متولد شده است. بر اساس آمار ثبت احوال در هر شبانه‌روز ۵۷۰ نوزاد در تهران متولد می‌شوند که به عبارتی ۲۴ نفر در طول یک ساعت می‌شود. رئیس ثبت احوال استان تهران درباره تعداد متوفیان نیز گفت: ۲۶ هزار و ۲۵۷ نفر تا پایان مردادماه در تهران فوت شده‌اند که ۱۶۹ نفر در طول یک شبانه‌روز می‌شود.

۲۱ هزار حادثه ناشی از کار در سال گذشته

مهر: صندوق تامین اجتماعی اعلام کرد: بر اساس اطلاعات دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی صندوق تامین اجتماعی در طول سال ۱۳۸۸، ۲۱ هزار و ۷۴۰ حادثه ناشی از کار در کشور رخ داده که نسبت به سال ماقبل (۱۳۸۷) این حوادث کاهش داشته است. در این گزارش ۹۸ درصد از آسیب‌دیدگان این حوادث مردان و بیشترین آنها با ۷۶ درصد فراوانی مربوط به متاهلین است و بیشترین حوادث ناشی از کار با رقمی معادل ۱۳ هزار و ۲۱۷ مورد به علت بی‌احتیاطی ثبت شده است.

دریافت هزینه درمان قانونی نیست

مهر: «بر اساس قانون الزام در اساسنامه تامین اجتماعی، ارائه خدمات درمانی برای بیمه‌شدگان کاملاً رایگان است و دریافت هرگونه وجهی خلاف مقررات قانونی موجود است.» این نکته‌ای است که معاون پیشین حقوقی و پارلمانی سازمان تامین اجتماعی بر آن تأکید کرد. محسن ایزدخواه درباره قانونی بودن دریافت فرانشیز از بیمه‌شدگان افزود: قانون الزام در قوانین تامین اجتماعی تأمین‌کننده تمام هزینه‌های درمانی بیمه‌شدگان است و دولت موظف است خدمات درمانی کاملاً رایگان به مردم بدهد. او با انتقاد از نبود مدیر باتجربه در سازمان تامین اجتماعی ادامه داد: «اساس ارائه درمان در سازمان تامین اجتماعی کاملاً رایگان است و قانون الزام بود بر طبق هر این اساس و چارچوب تنظیم شده است، از این رو قانون الزام در آبان‌ماه سال ۱۳۶۸ در قالب یک ماده واحده و دو تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون سازمان تامین اجتماعی موظف به اجرای تمامی تعهدات درمانی خود از طریق بخش‌های دولتی و در صورت نیاز از بخش خصوصی با رعایت تعرفه‌های رسمی شده است.» او با اشاره به تجربه‌های جهانی در زمینه ارائه خدمات بیمه‌ای به مردم تأکید کرد: «بر اساس توصیه‌ها و استانداردهای سازمان بین‌المللی کار مهم‌ترین و اساسی‌ترین رسالت سازمان‌های بیمه‌ای ارائه خدمات پیری، باززنشستگی و ازکارآزادگی و ارائه درمان در برابر حوادث، بیماری‌ها و بارداری است که در این میان درمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که ارائه خدمات درمانی جامع و مناسب وپترین سازمان‌های بیمه‌ای در خصوص جذب بیمه‌شدگان و متمتع بودن این سازمان بر همه تعهدات خود است.» ایزدخواه تصریح کرد: «بر این اساس تقریباً شکل نظام بیمه‌ای در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو و به تبع آن ایران با سه ابزار کلیدی و اساسی یعنی سیستم‌های مالی، سیستم‌های درمانی و سیستم‌های باززنشستگی و ازکارآزادگی با هم آمیخته شده که این سه سیستم علاوه‌بر اینکه بر یکدیگر هم‌فرازی و تعامل پویا دارند، موجب می‌شوند سازمان‌های بیمه‌ای بتوانند ضمن ارائه خدمات بهتر به بیمه‌شدگان، پایداری و ارتقای تعهدات خود را نیز حفظ کنند.» کارشناس حوزه رفاه و تامین اجتماعی با اشاره به اهمیت ارائه خدمات درمانی از لحظه اشتغال نیروی کار اضافه کرد: «در این میان، اهمیت ارائه خدمات درمانی تا آنجاست که از لحظه اشتغال نیروی کار، سازمان تامین اجتماعی مکلف به ارائه درمان بوده و این تعهدات در مقابل بیمه‌شدگان تا جایی اهمیت پیدا می‌کند که در ماده ۳۶ قانون تامین اجتماعی به صراحت تأکید‌شده تأخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه به مردم پرداخت آن رافع مسوولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه‌شده نیست.»